

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

خداوند برای خیلی حالات صفت و نتایجی ذکر کرده است. مثلاً گفته است که إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (سوره عنکبوت، آیه ۴۵) نماز انسان را از فحشا و منکر دور می‌کند، نهی می‌کند یا فرموده است: أَلَا يَذُكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (سوره رعد، آیه ۲۸)، بدانید! به ذکر خداوند قلب مطمئن می‌شود. اگر ما دیدیم از یک کسی و یک مقامی، اینطور قبیل عبارات صادر شده، خیلی عبارات هست از یک مقامی صادر شده که خودش خالق قلب است، خالق تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ، خالق اطمینان قلبی است، خالق فحشا و منکر است و خالق نماز است پس در صحت خودش شکی نیست ولی اگر یک نفر عادی به شما گفت که در این گرمای تابستان چی بخورید تا خوب بشوید. اگر شما خوردید باید بدانید که این درست است. اگر شما خوردید و آن نتیجه حاصل نشد، معلوم می‌شود که آن مورد نظر او نیست یعنی وقتی، أَلَا يَذُكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ می‌گوییم به قول یکی نمی‌شود گفت: پس چرا برای من ناآرامی می‌آورد؟ نه! برای چیزی که برای تو ناآرامی می‌آورد ذُكِرَ اللَّهُ نیست، ذکر خدا نیست. درونش خلل است. اگر ذکر خدا بود، مسلماً آرامش می‌آورد اگر آرامش نمی‌آورد، ذکر خدا نیست یا اگر دیدید که نماز، فحشا و منکر را از شما باز نداشت، معلوم می‌شود این نمازتان آن نماز اصلی نیست، البته باید پوسته‌اش را هم داشته باشید یعنی نه اینکه این نماز را رها کنید بگویید چون نماز اصلی نیست، نه! راه حصول به نماز اصلی این است که ظاهرش را حفظ کنید و با دقت رفتار کنید.

خدا یک وجود واحد، یک چیزی نیست که فقط یک صفت داشته باشد. تمام صفاتی که ما می‌گوییم در وجود خداوند مندرج است یعنی وقتی می‌گویید «الله» یعنی هم خالق را در نظر دارید، هم رحمان، هم رحیم، هم قهار، هم ذوانتقام، همه‌ی اینها را در نظر دارید، جزء این هست. یک صفت نیست، همه‌ی این صفات خوب از ناحیه‌ی خداوند است. خداوند جسم که ندارد، جسم که نیست، خداوند با زبان درک نمی‌شود، با چشم دیده نمی‌شود، باید با همان چشمی که خداوند را می‌تواند ببیند، این کار را بکنید و آن هم برای به دست آوردنش این است که مرتباً به یاد خدا باشید. به یاد همان خدایی که در درون خودتان هست، گو اینکه آن دعا مظهر الهی است ولی با همان، به فکر باشید. به همین دلیل دعاها هم چون اینی که ما می‌خوانیم دعا نیست. اینقدر می‌خوانیم که خسته بشویم و نفهمیم چه می‌گوییم، نه! دعا یعنی خواستن یعنی هر باری که دعا می‌کنید در ضمن همان دعا مثل اینکه روبروی خداوند نشسته‌اید. وقتی می‌گویید: رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (سوره اسراء، آیه ۸۰) فکر کنید خودتان جلوی او نشسته‌اید و

می‌گویید: خدایا! من را از دروازه‌ی خوبی و صلاح وارد کن و من را از دروازه‌ی خوبی و صلاح بیرون بیاور و احساس کنید. به هر اندازه این احساسات قوی‌تر باشد، اثر دعا بیشتر است.

به این جهت ما درویش‌ها و در درویشی به معنا بیشتر توجه داریم تا به عبارت. عبارت دو کار ممکن است بکند: یکی اینکه فکر ما را از مناطق مختلف مانع بشود برود. وقتی که دعا می‌کنید دیگر لفظ دعا و فکر دعا نمی‌رود در زندگی‌تان، در کاسبی‌تان. فکرتان متوجه این است. یکی هم اینکه وقتی فکر متوجه این شد، به معنایش می‌رسید و می‌فهمید. به این جهت دعا کردن و دعا خواندن هم، وسیله‌ی ارتباط با خداوند است، خودش ارتباط نیست یعنی وقتی می‌گویید: رَبِّ اَدْخُلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ، در واقع به یکی می‌گویید. خدا راهتان نداده، آن جلو ایستادید، این را به کسی می‌گویید که او به خداوند بگوید. از این جهت هم باید در دعا، در نماز، قرآن که می‌خوانید هم به معنایش توجه کنید، هم لفظش را دقیقاً بخوانید. ان شاء الله از آن دعاهایی باشد که:

ای دعا از تو اجابت هم ز تو ایمنی از تو مه‌بابت هم ز تو

ان شاء الله به آن نحوه دعا دسترسی پیدا کنید و لیاقت آن دعا را داشته باشید. در آن صورت دعا و اجابتش هر دو با هم است، وقتی خداوند به آدم می‌فرماید: فَتَلَقَىْ اٰدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ، کلماتش را از مفاتیح الجنان و اینها نگرفته کلماتش را از خدا گرفته. فَتَلَقَىْ اٰدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ (سوره بقره، آیه ۳۷)، بر او توبه جاری کرد یعنی همان لحظه‌ای که خداوند این توفیق را می‌دهد، نمی‌خواهد که انسان را گول بزند. اجازه می‌دهد که از من بخواه. نه اینکه از من بخواه که من رد کنم، نه! از من بخواه که قبول می‌کنم. سعی کنید واقعاً از ته دل، هر دعایی که دارید، از خداوند بخواهید، تا خداوند اجابت کند، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۶، جلسه خواهران ایمانی)

\*\*\*\*\*

امروز صبح نگاه می‌کردم به روزنامه‌ها یا تلویزیون و رادیو، اینها همه صحنه‌هایی از جنگ دارد. جنگ بین کی؟ بین منی که لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ می‌گویم با همه‌ی لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ گوها. حالا بیاییم پایین اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ می‌گوییم، با همانی که اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ می‌گوید. معلوم می‌شود آن مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ که من می‌گویم، غیر از آن مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ است که او می‌گوید. دیگر همینطور پایین‌تر، اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللهِ.

نمی‌دانم ان شاء الله گناهان ما اینقدر سیاه و تیره نباشد که به این نگاه می‌کنیم. صحنه‌های جنگ که معمولاً هم هر کسی نشان می‌دهد، دو طرف جنگ، هر کسی طرف خودش را فیلم برمی‌دارد، بزرگ می‌کند: که ای وای! اینها را کشتند. آن طرف دیگر هم همینطور عکس برمی‌دارد یعنی آنچه ما می‌بینیم، نصف فجایی است که این بشر ایجاد کرده. چقدر خدا حوصله کرده که زمان حضرت نوح علیه السلام می‌خواست همه‌ی آنها را از بین ببرد. حضرت نوح به داد آنها رسید یا به داد ما رسید یا نرسید، می‌گویند خدا منصرف شد و به قول تورات بعد از بارندگی یک هلالی ایجاد کرد که همان قوس و قزح

باشد، به عنوان اینکه آنها نوشتند: خدا می‌گوید که یادم بیاید که به شماها وعده کردم که دیگر اینطور کشتاری نکنم ولی الان که کشتارها خیلی زیادتر است، بیشتر است، همه جایی است. آن مرگ دسته جمعی زمان نوح عَلَيْهِ السَّلَام محدود بود و به همان مرحله‌ای بود که خود حضرت ساکن بودند. در آن صورت خداوند کسانی را که متوسل به حضرت شدند را نجات داد یعنی در کشتی نشستند. اینهایی که از بین رفتند دست چپین بودند از کسانی که با حضرت دشمنی داشتند. اما طوفانِ حالای بشریت همه را در بر می‌گیرد، همه را در بر گرفته. معلوم می‌شود خداوند خیلی غضب کرده، بیشتر از آن دفعه غضب کرده است.

حالا ان شاء الله ما به خودمان بپردازیم. ما فریاد می‌زنیم، در دنیا به خودمان می‌پردازیم که می‌گوییم: آخر جنگ یعنی چه؟! ما غصه‌ی کشتارهای جنگ را داریم، هم از کشته‌های این طرف و هم از کشته‌های آن طرف، بالاخره بشر هستند، خداوند آفریده، خود اینها با هم دعوا دارند. برای آرامش، برای سکونت آرام، همین کره‌ی زمین را آرام نگه دارید. تازه هوا روی زمین برایشان تنگ است. می‌خواهند جاهای دیگر را هم پیدا کنند! رفته‌اند در عمق ذره، ذره را بشکافند، در آنجا با هم دعوا دارند. از دنیای بزرگ یعنی دنیای کره‌ی زمین، از دو طرف توسعه دادند. از طرف بزرگی توسعه دادند تمام جهان را در بر گرفته‌اند این خلقت را. خداوند هم از هر دو طرف به آنها گوشمال داده.

از طرف ریزی، ریزگردها برای دنیای ریز برایتان می‌آید. دنیای بالا هم که می‌بینید چه آمده! وظیفه‌ی ما، در این وسط، اولاً دعاست که خدایا! لا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (سوره یونس، آیه ۸۵) ما را موجب آزمایش قوم ظالمین قرار نده که سر ما دعوا کنند. از آن طرف خودمان به همه بگوییم ولی آن کافی نیست. برای اینکه صلحی را قبول ندارند که ما بگوییم، آن صلحی که خودشان بگویند، قبول دارند. آقا! ما هم که می‌گوییم «صلح». صلح طلب‌ها که در همه‌ی جهان می‌گویند: «صلح» ولی همه، هم را می‌کشند.

حالا ان شاء الله خداوند ما را توفیق بدهد که نفس خودمان را بکشیم. خطاب به خودمان بکنیم که اول خودت را نگه دار بعد برو تا می‌توانی جلوی گشت و کشتار را بگیر که نمی‌توانیم. اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَوَاقِبَ أُمُورِنَا خَيْرًا. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱۱)

\*\*\*\*\*

در قرآن می‌فرماید: نَفْسٍ وَاحِدَةٍ هَسْتِيد. یک وجود هستید. در این جریان اینهایی که به درک این مسائل عالیه شروع می‌کنند، می‌گویند بشر است. بچه‌ی خودمان، بچه‌ی انسان را نگاه می‌کنیم، اول چیزی نمی‌فهمد. کم کم یک خرده فهمش بالا می‌رود و درک می‌کند که همه‌ی اینها یکی هستند، همه‌ی این وجودات یکی هستند. وقتی بشر این را طرح کرد، این نظر جدیدش را اسم می‌گذارد و می‌گوید «وحدت وجود». «وحدت وجود» چیز قلمبه‌ای نیست که این همه از آن می‌ترسند. آنی که همه‌ی ما گاهی یک خرده فکر می‌کنیم، به خدا فکر می‌کنیم، به خودمان فکر می‌کنیم: ز کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟ وقتی فکر می‌کنیم دیگران مثل ما همین سرنوشت را دارند آنوقت می‌گوییم

می فهمیم. زمینه پیدا می کنیم برای اینکه بفهمیم که همه مان یکی هستیم.

این بشر از یک چیز، همه وحدت دارند. یکی اسم آن چیز واحدی که اینها همه می گویند حق است و وجود دارد، از نظر یک عده ای مثل ماها، اسمش را گذاشتیم «خدا»، «الله»، «گاد: God»، «دیو: Dieu» و امثال اینها.

از نظر یک عده ای دیگر می گویند: آقا! دعوی شما چیست؟ نخیر! هیچکدامش نیست. این ماده است و همه چیز از ماده به وجود آمده. اسمش را می گذارند ماده. اسمها فرق می کنند و الا همه ی موجودات، در ذهنشان می دانند که یک خالق دارند. آن خالق را هر کسی یک اسم جداگانه ای می گذارد. بعد سر همین مسأله با هم دعوا می کنند. در خود ما بشر، یکی از ما اسمش را گذاشته «جم». اسم یکی را گذاشته «ضحاک»، اینها با هم دعوا می کنند و حال آنکه ما دقت کنیم، به قول خیام:

کافکنند به خاک صد هزاران جم و کی این آمدن تیرمه و رفتن دی

این دعاها را خیلی جالب این کتاب جدید گالیور مطرح کرده که دو گروه با هم دعوا دارند، می پرسد: اختلافشان سر چیست؟ می گویند که این یکی می گوید که ما می گوئیم تخم مرغ را باید از آن سر باریک شکست. آن یکی می گوید: نه، باید از آن طرف دیگر شکست. اینها با هم جنگ می کنند و خودشان را می کشند. بعد هم که برای هر کدام گرفتاری پیدا می شود داد و بیدادشان بلند می شود که این چه وضعی است؟ چه چیزی است! هیچکس بر نمی گردد به اینکه اول فکر کند که ما اصلاً چی هستیم؟ خودش را با یک قطعه سنگ، با یک گل مقایسه کند، بگوید هر دویمان هم جان داریم. همینطور همه با هم. برای خودمان از این بد بودنها، از این دعوایی که سر شکستن تخم مرغ بین ما هست، کتابها نوشته اند. اینها همه را می دانید، می بینیم در زندگی همینطور شده است.

حالا ان شاء الله خدا ما را از این پیچ واپیچها نجات بدهد. یک درک و عقل الهی به ما بدهد،

ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳/۴/۱۳۹۴، جلسه برادران ایمانی)

**بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فریاشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس تقریری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده های از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده های از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه ی پاسخ به نامه ها) / مجموعه دستور العمل ها و بیانیه ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه ی مصاحبه ها) منتشر شده است.**

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت [WWW.JOZVEH121.COM](http://WWW.JOZVEH121.COM)

اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده های از بیانات می توانید کانال @jozveh121 در برنامه تلگرام پیونید.